

جوانی و نوجوانی رهبر شهید مستند می شود



مسعود زارعیان، کارگردان مشهدی مستند «متولد مشهد»، با اشاره به ساخت مستندی درباره نوجوانی و جوانی رهبر شهید انقلاب، گفت قصد دارد به بخش های ناگفته زندگی ایشان بپردازد.

مسعود زارعیان در گفت وگو با

خبرگزاری مهر درباره دلیل ساخت

مستندی درباره زندگی رهبر شهید انقلاب گفت: شخصیت رهبر معظم انقلاب، فارغ از جایگاه رسمی ایشان به عنوان رهبر یک کشور، به مثابه یک انسان برجسته در تاریخ معاصر، همواره برای من تأمل برانگیز بوده است. ابعاد گوناگون زندگی ایشان، از نحوه مدیریت زندگی شخصی گرفته تا سلوک علمی و معنوی و حیات سیاسی، آن هم در چنین موقعیت خطیری، همواره پرسش هایی در ذهن من ایجاد می کرد و این پرسش ها از دوران نوجوانی که تازه ایشان را دریافته بودم و بعدتر که طلبه شدم و تاکنون به عنوان یک مستندساز با من همراه بوده و هرچه جلوتر رفته ام، این پرسش ها عمیق تر و بنیادی تر شده است. وی افزود: هر اندازه تجربه زیسته من گسترش یافته، این کنجکاوی نیز افزون گشته است که چگونه یک فرد می تواند در چنین جایگاهی بر همه ابعاد زندگی اش مسلط باشد. در عرصه های مختلف صاحب نظر و پیشرو باشد و در عین حال که فقهی پی جامع شرایط است، مملکت را در این سطح مدیریت کند و در مقابل قدرت های

جهان بایستد؟ ما در تاریخ تشیع علمای بسیاری داشته ایم که ذوجهات بوده اند، همچون امام خمینی ^(۱). اما رهبری یک مملکت با تمام شئونش آن هم بیش از سی سال در ملتهب ترین دوران کاری بی سابقه بوده، این مسئله ای است که همواره برای من حائز اهمیت بوده است.کارگردان «غیرمسکونی» بیان کرد: شاید بتوان گفت شخصیت هر انسان تا پیش از سی سالگی شکل می گیرد و از آنجاکه این مقطع زمانی برای آیت... خامنه ای در مشهد رقم خورده و از طرفی شهر محل زندگی من است، تصمیم گرفتم با نگاهی موشکافانه سراغ عوامل و عناصر شکل گیری شخصیت ایشان از تولد تا قبل از استقرارشان در تهران بروم و با کنار هم قراردادن اسناد و نظرات اشنایان و هم دوره ای های ایشان در آن سال ها به ره یافت تازه ای از شخصیت ایشان دست پیدا کنم. وی ادامه داد: عناصری همچون خانواده و پدر و مادر ایشان که همان ژنتیک است، محیط که تجربیات اولیه و وضعیت اقتصادی و اجتماعی ایشان در آن ظرف زمانی بوده، فرهنگ و مذهب که بخش لاینفک زیستشان بوده، یا آموزش و تجربه که همگی پنجره هایی است به سوی شناخت و کشف جزئیات شخصیت رهبری، وی ادامه داد: کنجکاوی من معطوف به ساخت مستندی درباره دوران شکل گیری شخصیت

ایشان شد و هدفم ثبت سند برای آیندگان در زمانی است که خیلی از افراد مطلع در برابر چالش های ایشان حاضر نیستند درباره آن دوران و ابعاد شخصیت رهبر شهید مطالعه کنند. زارعیان در پاسخ به این پرسش که چقدر امکان گفت وگو با نزدیکان و خانواده رهبر شهید برای وی فراهم است، گفت: امروزه، نسبت به گذشته، فضا برای گفت وگو و تحقیق درباره ابعاد زندگی رهبر شهید انقلاب فراهم تر شده و زمینه روایت برای مستندسازان مهیاتر است. پژوهش، جمع آوری اطلاعات و فیلم برداری این مستند به صورت هم زمان نیز آغاز شده و درحال پیگیری است تا ببینیم تقدیر چه مسیری را رقم خواهد زد. این مستندساز درباره رویکرد اصلی مستندش اظهار کرد: طرح اصلی ما معطوف به روایت موقعیت ها و مکان هایی در مشهد است که با زندگی و فعالیت های علمی و مبارزاتی ایشان مرتبط است؛ از مدرسه علمیه سلیمان خان گرفته تا مسجد کرامت و بیمارستان امام رضا^(۲) و... برآینم تااز طریق جست وجو،گفت وگو با نزدیکان، بستگان، دوستان، هم دوره ای ها، هم کلاسی ها و شاگردان، به جزئیات ناشناخته یا کمتر شنیده شده دست یابیم. البته گذشت زمان و نیز ملاحظات موجود، گاه مانع از دسترسی کامل به همه افراد می شود، اما در تلاشیم از روایت های دست اول در این مستند استفاده کنیم.

اشعار رهبر شهید تصویرسازی شد



مکعب تصویرسازی و نقاشی از اشعار رهبر شهید، به همت هنرمندان طراح گرافیک درمیدان امام خمینی ^(۱)تهران به نمایش درآمد. به گزارش خبرگزاری مهر، محمدرضا دوست محمدی، هنرمند طراح گرافیک، درباره رویداد طراحی روی مکعب برای رهبر شهید و مراسم وداع با حضرت آیت...سیدعلی

خامنه ای توضیح داد: ما چند روز در میدان امام خمینی ^(۲)، در کنار دیگر گروه های کارگروه هیئت هنر حضور داشتیم و در حوزه تصویرسازی و نقاشی، مسئولیت اجرای یک مکعب را بر عهده گرفتیم. وی افزود، ما جزا از این قرار بود که برخی دوستان فعال در هیئت هنر، از جمله میکائیل براتی، ایده ای را مطرح کرد که طراحی هایی بر اساس شعر که رهبر شهیدمان در فروردین سال ۱۴۲۳ قرائت فرمودند، اجرا کنیم. مدتی پیش متن کامل این شعر که حدود ۱۰ بیت است، منتشر و همین موضوع به ایده ای برای تصویرسازی از سروده های ایشان تبدیل شد. دوست محمدی در پایان بیان کرد: ما این مکعب را طراحی کردیم و آن را با پارچه منقال و در سه رنگ اصلی سفید، سبز و قرمز (رنگ های پرچم کشورمان) پوشاندیم تا بتوانیم روایت و تصویرسازی این شعر را به نمایش بگذاریم. بر این اساس، سوگواره هیئت هنر با عنوان «دالان هنر» با برگزاری رویدادهای هنری از جمله کتنبه نویسی، نقاشی و طراحی گرافیک مقابل بلدیة تهران برگزار شد. همچنین، محمد روح الامین اثر جدیدش را با عنوان «یا لثارات الحسین ^(۳)» خلق کرد.

«باید برخاست» بر صدر پلتفرم های نمایش خانگی نشست



اقدامی هماهنگ و بی سابقه، صفحه نخست خود را به شعار «باید برخاست» اختصاص دادند. این روزها شعار باید برخاست» به یکی از هشتگ های پرشتاب فضای مجازی تبدیل شده است.

سریال جدید «دیدار» در راه تلویزیون



مجموعه نمایشی کوتاه «دیدار» با هدف روایت خاطرات ماندگار رهبر شهید انقلاب از شبکه یک سیما روی آنتن می رود. به گزارش شهرآرانیوز، مجموعه نمایشی کوتاه «دیدار»، با بهره گیری از جمعی از هنرمندان با سابقه سینما، تئاتر و تلویزیون، در قالب داستان هایی مستقل، روایتی هنرمندانه از خاطرات، منش و سیره آیت... شهید سید علی خامنه ای (قدس...) نفسه الزکیه) را به تصویر می کشد.

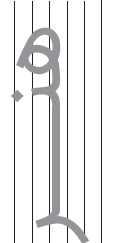


آقای شهید ایران



شنبه ۲۱
۱۵ تیر ۱۴۰۳
شماره ۲۱
SHAHIRANEWS.IR

۱۱



تکس: مسعود زارعیان



خاطرات ۴عکاس مشهدی از روزهای حضور در برنامه ها و دیدارهای رهبر شهید انقلاب

آنچه دوربین ها کمتر روایت کردند

افخمی - همتی | بعضی تصویرها هرگز منتشر نمی شوند؛ نه روی صفحه اول روزنامه ها و نه در قاب تلویزیون. آن ها در حافظه کسانی باقی می ماندند که سال ها پشت لنز دوربین ایستاده اند و از نزدیک، لحظه هایی را دیده اند که مخاطبان تنها بخشی از آن را در قاب رسانه ها تماشا کرده اند. مسعود نوذری، محسن بخشنده، محمد زائرینا و میثم دهقانی چهار عکاسی هستند که چند دوره در سفرهای مشهد، دیدارهای مردمی، نمازها و نشست های رهبر شهید انقلاب حضور داشته اند و مأمور ثبت لحظه هایی خاص بوده اند. در این بین، آنچه در ذهن آن ها باقی مانده، بیش از هزاران فریم عکس، روایت هایی است از سادگی، صمیمیت، دقت و توجه به انسان هایی که اطراف ایشان حضور داشتند.



مسعود نوذری:

آنچه دوربین ندید، دل دید

بودم که در عین اقتدار، با نهایت تواضع در برابر ضریح امام رضا^(۱) ایستاده بود. عجیب بود که چگونه شخصی با این حجم از مسئولیت، در خلوت با امام خود، این قدر آرام و رها به نظر می رسید. من همواره به دنبال لحظه ای بودم که نگاه ایشان با ضریح گره بخورد؛ لحظاتی که ایشان نه در جایگاه یک رهبر، بلکه در جایگاه یک زائر دیده می شدند که همه دغدغه های خود را در حرم زمین گذاشته اند. گاهی نگران بودم که

در سال هایی که در آستان قدس رضوی فعالیت می کردم، وظیفه عکاسی از مراسم های مختلف را برعهده داشتم. برای یک عکاس، سرفه های مشهد، دیدارهای مردمی، نمازها و نشست های رهبر شهید انقلاب داشته اند و مأمور ثبت لحظه هایی خاص بوده اند. در این بین، آنچه در کنار دوربین می دیدم، فراتر از یک تشریفات رسمی بود. من شاهد ایستادن مردی



محسن بخشنده:

آنچه از نزدیک دیدم، با تصویر تلویزیون فرق داشت

شهداچنان رفتاری کردند که گویی سال هاست یکدیگر را می شناسند. در یکی از خانه های شهدا، اتفاقی افتاد که برایم جالب بود. معمولاً در این دیدارها پذیرایی فقط چای بود، اما در آن دیدار، پس از پایان مراسم، خانواده شهید گفتند برای پذیرایی میوه هم آماده کرده اند که به دلیل ملاحظات امنیتی آن را نیاورده اند.

رهبر شهید انقلاب همان جا ایستادند و گفتند: «بروید بیاورید». به یادم دارم سینی پر از میوه های مختلف مثل انگور، هلو، سیب و خیار بود. شاید انتظار می رفت در چنین دیدار رسمی، مثلاً میوه ای مثل سیب را انتخاب کنند و در جیبشان بگذارند. اما ایشان خوشه ای انگور برداشتند و همان جا مشغول خوردن شدند

رهبر شهید انقلاب معمولاً تابستان ها پس از پایان درس حوزه علمیه، حدود دو هفته به مشهد می آمدند. در این بین، در اواسط دهه ۹۰ فرصتی پیش آمد تا من این سفرها، نمازها، دیدارهای مردمی و به ویژه دیدار با خانواده های شهدا را پوشش تصویری بدهم.

در این دیدارها ما به عنوان عکاسان فاصله بسیار کمی با ایشان داشتیم و از نزدیک رفتارشان را می دیدیم. چیزی که بیش از همه توجهم را جلب کرد، تفاوت ایشان با تصویری بود که از قاب تلویزیون دیده می شد. رهبر شهید انقلاب در دیدارهای خصوصی، بسیار صمیمی، مهربان و گرم بودند و با خانواده های



محمد زائرینا:

شناخت دقیقی از روحیه مردم داشتند

خاصی داشتند. یکی از نخستین خاطراتم مربوط به تالار آینه حرم رضوی است. رهبر شهید انقلاب از یک در وارد شدند و به سمت محل زیارت حرکت کردند. من با دوربین، عقب عقب حرکت می کردم و آن قدر غرق عکاسی شده بودم که اصلاً متوجه نبودم پشت سرم ستونی قرار دارد. ناگهان صدای ایشان را شنیدم که گفتند: «مواظب باش.» خشکم زد.

برگشتم و دیدم اگر یک قدم دیگر برمی داشتم، با ستون برخورد می کردم. بعد با لبخند گفتند: «ما راضی نیستیم به خاطر ما به خودت آسیب بزنی.» آن لبخند و آن جمله برای همیشه در ذهنم ماند. صحنه دیگری که در خاطرم مانده است، لحظه های بعد از نماز ایشان بود. نماز که تمام می شد، دستشان را روی مهر و سجاده می کشیدند، به صورت و محاسنشان می زدند و دقایقی چشم هایشان را می بستند و در سکوت

از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ این افتخار را داشتم که در پوشش دیدارهای نوروزی حرم مطهر رضوی، سفرهای تابستانی به مشهد، جلسات داخلی و دیدار با خانواده های شهدا،

به عنوان عکاس حضور داشته باشم. اولین روزی که قرار بود از دیدارها و برنامه های رهبر شهید انقلاب عکاسی کنم، استرس عجیبی داشتم. سال ها عکاسی حرفه ای انجام داده بودم، اما این بار قرار بود کنار مهم ترین شخصیت کشور و قائد عظیم الشان کار کنم. حقیقتاً بیشتر از هر چیزی هم نگران این بودم که بتوانم وظیفه ام را به بهترین شکل انجام دهم. اما به محض ورود، دیدم که فضا با آنچه فکر می کردم، متفاوت است و از تیم حفاظت گرفته تا همراهان و خود ایشان، آرامش روحانی



میثم دهقانی:

انگار به خانه پدر بزرگ رفته ای

برای هر عکاسی، مواجهه با شخصیتی در تراز رهبر انقلاب، با آن ابهت و جایگاه خاص، گره خورده با استرس است. وقتی اولین بار دوربین را برای عکاسی در دیدارهای مشهد آماده می کردم، هزار فکر در سر داشتم؛ فاصله چقدر است؟ پروتکل ها چاره می دهند چقدر نزدیک شوم؟ برخوردشان چگونه است؟ اما آنچه در چهار دوره حضور تجربه کردم، فرسنگ ها با تصورات خشک و رسمی ابتدایی فاصله داشت.

در دیدارهای خصوصی رهبر شهید انقلاب مثل دیدارهای منزل خانواده شهدا، از استرس خبری نبود، به طوری که انگار به خانه پدر بزرگ رفته ای؛ همان قدر صمیمی، همان قدر مهربان. حضرت آقا با میهمانان خردسال خانواده های شهدا رفتاری کاملاً



بی هماهنگی پیش می آوردند تا در گوششان اذان بگویند، باعث شد استرس های اولیه من عکاس جای خود را به آرامشی عمیق بدهد و پس از چند بار تجربه، دیگر آن سنگینی و استرس اولیه در کار حسن نمی شد. با چنان برخورد بزرگ منشانه و صمیمانه ای مواجه بودیم که کسی احساس نمی کرد با یک شخصیت دوردست طرف است، ما با همان راحتی که از یک فرد معمولی عکاسی می کردیم، از ایشان هم عکاسی می کردیم.

برای یک عکاس خبری، حواشی هر مراسم، گاهی از اصل آن جذاب تر است. در دیدارهای مشهد، جنس این حواشی متفاوت بود؛ از نظم و مدیریت خاص جلسات، نه نظمی که با سخت گیری و فریاد برقرار شود، بلکه نظمی که از دل اشرف خود رهبر شهید انقلاب بر فضا بیرون می آمد. صدای گریه کودکی یا همه چه هایی که در حال بازی بودند، سکوت و نظم جلسه را به چالش می کشید، اما



واکنشی که از حضرت آقا سر می زد، معکوس تصورات عمومی بود. هیچ گاه خبری از اخم یا تذکر برای بیرون رفتن نبود. مادران مضطرب که شاید از گریه فرزندشان خجالت زده می شدند، با برخوردی بزرگوارانه آرام می شدند. آقا سعی می کردند به شکلی با آن ها همراه شوند و آن ها را در فضای جلسه درگیر کنند. دیدن این لحظات که بطور یک شخصیت با آن جایگاه بلند، با شوخی یا مهربانی، فضای صمیمی را حفظ می کرد، دیدنی ترین قاب مستند زندگی ایشان بود.



و بعد با روی باز به همه اعضای تیم همراه خودشان هم تعارف کردند. این صمیمیت ساده و بی تکلف، برای من تصویری ماندگار شد، تصویری که هیچ گاه از ذهنم پاک نمی شود. خاطره دیگری هم از ایشان دارم که سال گذشته زمانی که خبر شهادتشان را شنیدم، برایم زنده شد. این خاطره مربوط به گفت وگویی است که در خانه یکی از شهدا شنیده بودم. در آن دیدار، داماد خانواده خطاب به ایشان گفت همسرش که خواهر شهید است، آرزو دارد سمت دیگری هم داشته باشد و «همسر شهید» بشود؛ یعنی خود او به شهادت برسد.

آن روز رهبر شهید انقلاب با لبخند پاسخ دادند: «شما اجازه بده تا هفتاد هشتاد سال به مردم خدمت کنی، بعد از آن، اگر خدا خواست، شهادت نصیبت شود.» وقتی خبر شهادت ایشان منتشر شد، همان جمله در ذهنم تکرار می شد. گویی همان سرنوشتی که برای دیگران دعا می کردند،

که از پدر یا مادر شهید می خواستند برایشان دعا کنند، از لحظه ای هم که از خودرو پیاده می شدند، تا زمانی که خانه را ترک می کردند، لبخند از چهره شان محو نمی شد. در همه آن دیدارها، آنچه در خانه های شهدا جریان داشت، بیش از هر چیز صفا، صمیمیت و آرامش بود. ایام بسیار شیرینی بود که جزو بهترین خاطرات من محسوب می شود. درواقع لذت تصویربرداری از رهبر شهید انقلاب و به ویژه ثبت آن حس و حالی که در نماز داشتند، دستاوردی برای من است.



واکنشی که از حضرت آقا سر می زد، معکوس تصورات عمومی بود. هیچ گاه خبری از اخم یا تذکر برای بیرون رفتن نبود. مادران مضطرب که شاید از گریه فرزندشان خجالت زده می شدند، با برخوردی بزرگوارانه آرام می شدند. آقا سعی می کردند به شکلی با آن ها همراه شوند و آن ها را در فضای جلسه درگیر کنند. دیدن این لحظات که بطور یک شخصیت با آن جایگاه بلند، با شوخی یا مهربانی، فضای صمیمی را حفظ می کرد، دیدنی ترین قاب مستند زندگی ایشان بود.